

داستان حضور هر ساله و مداوم شکارچیان خارجی در ایران به ماجرابی عجیب و غریب تبدیل شده است!ا شایعات زیادی در مورد همکاری برخی مدیران سازمان محیط زیست با شیوخ عرب و واسطه‌های خارجی وجود دارد. هفته اخیر نیز فریاد برخی از ایرانیان مقیم کالیفرنای شمالی از فروش رسمی مجوز شکار گونه‌های به اصطلاح حفاظت شده ایرانی اعم از هوبره و قوچ لا‌رستان و حتی یوز بلنگ ایرانی به آمریکایی‌ها بلند شد. این بار دیگر صحبت از شیوخ عرب نبود که صبح از مرزهای کشور وارد شده باشند و عصر نیز با لاشه شکار سوار بر ماشین‌های شاسی بلند از مرز خارج شوند. پای آژانس‌های رسمی ایرانی – آمریکایی به میان آمده که به صورت رسمی تور گردشگری با مجوز شکار راهی ایران می‌کنند! فارغ از تایید یا تکذیب موضوعات مطرح شده، پرونده شکارچیان خارجی «مجوز دار» و ارتباط آنها با برخی از «سازمان‌های مردم نهاد» مرتبط با نهادهای چندملیتی بیگانه، همراه با پرده‌برداری از نقش احتمالی آنها در ایجاد تغییرات زیست محیطی در کشور را این هفته در صفحه اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهیم. علاوه بر آن تلاش می‌کنیم بداییم چه از تباطی میان دغدغه‌های زیست محیطی برخی نهادهای بین‌المللی و برنامه‌های مخفی نظامی وجود دارد؟ آیا تسلسل بر «آب و هوا» به منظور ایجاد تغییرات اقلیمی سناریویی هالیوودی است یا حقیقت دارد؟ آیا با جمع آوری اطلاعات دقیق تغییرات زیست محیطی، مناطق مختلف ایران توسط برخی شکارچیان خارجی و معدودی از NGOهای داخلی، برنامه نظامی مدیریت آب و هوا پیشرفت سریع تری خواهد کرد؟ ن‌نا گفته نماند سرویس اجتماعی کیهان از پاسخ‌ها و بحث‌های علمی همه متخصصین، مسئولین و مدیران کشور در این زمینه استقبال می‌کند.

شیوخ پرورا

در دوره اصلاحات اخبار ورود شکارچیان از کشورهای حاشیه خلیج فارس به ایران اوج گرفت. ماجرا از این قرار بود که شیوخ عرب دسته دسته مرزهای کشور را درمی نوردیدند و در برخی موارد مثل سال ۹۹ پس از شکار بیش از ۱۰۰ قطعه «هوبره» ایرانی با انتشار تصاویر جنایات محیط زیستی خود راهی منزل می‌شدند. معصومه ابتکار، وزیر وقت سازمان محیط زیست نیز اغلب معترض این ماجرا می‌شد و از حمایت این افراد توسط وزارت امور خارجه و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی خبر می‌داد! با این حال مشخص نبود چرا رویه مذکور علی رغم معترض بودن همه بخش‌های دولتی پایانی نداشت!

متهم ردیف اول!

قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی مدعی بودند که افراد مذکور پس از دستگیری از «مجوزدار بون» اقدامات خود خبر داده‌اند و به همین جهت امکان برخورد قانونی جدی با آنها وجود ندارد. براساس «آیین نامه ویژه شکار» که در آخرین سال‌های دولت اصلاحات یعنی سال ۱۳۸۱ در هیئت دولت به تصویب رسید، اجرای برنامه شکار توسط مقامات عالی رتبه کشورهای خارجی که از شمول ضوابط و دستورالعمل‌های عمومی شکار مستثنی شد و تابع مقررات آیین‌نامه مذکور قرار گرفت، براساس ماده ۴ این آیین نامه مقرر شد، «سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان مرجع ذی صلاح در هر حفاظت و بهره برداری پایدار از حیات وحش و محیط زیست کشور با توجه به وضعیت و جمعیت گونه‌های قابل شکار و حمایت شده و شرایط اکولوژیک و ظرفیت قابل تحمل محیط برای بهره برداری، تعداد مجاز و سهمیه قابل شکار در هر بخش شکار را معین و براساس آن پروانه ویژه و یک کار در چهار چوب قوانین و مقررات شکار و صید و تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران صادر کند»

ابتکار مشترک دولت خاتمی و ابتکارا

در همین آیین نامه عجیب و ضدمحیط زیستی حتی مواردی برای بدلیع اینس امتیاز دهی عجیب به بیگانگان در سفارتخانه‌های ایران نیز در نظر گرفته شده است. در ماده ۴ آیین نامه مذکور آمده است: «وزارت امور خارجه ترتیبی اتخاذ خواهد نمود تا سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران نسبت به آشنا سازی و توجیه مقامات و اشخاص مذکور در ماده یک این آیین‌نامه به منظور رعایت کامل قوانین و مقررات دولت جمهوری اسلامی ایران از جمله مقررات و ضوابط شکار و صید اهتمام لازم را به عمل آورند.

سازمان حفاظت محیط زیست، قوانین و مقررات

۱۳۳۵ دستگاهی مستقل به نام «کلون شکار ایران»، ایجاد شد که همین اداره یازده سال بعد، در سال ۱۳۴۶ در پی تصویب قانون شکار و صید، به «سازمان شکاربانی و نظارت بر صید» تبدیل شد.

بنیانگذار سازمان شکاربانی ایران کسی نبود جز

فرزند محمدهسین فیروز، نوه «عبدالحسین میرزا فرمافرما، نوه» عباس میرزا و پسر عموی ناصرالدین شاه، هر چند در مورد او در تاریخ محیط زیستی ایران موارد مثبت کم نیست اما نکته اصلی اینجاست که

خاندان فرمافرما – فیروز از چاکران پادشاهی انگلستان محسوب می‌شوند و دغدغه‌های محیط زیستی بخشی از آنها یا آنچه در جهان حقیقی به چشم می‌خورد متفاوت گمانه وزی در خصوص احتمال مخالفت سازمان محیط زیست با تصویب آیین نامه مذکور و با عدم اطلاع ابتکار و همکاران از تصویب قانون مجوز فروشی رسمی به شیوخ عرب و سایر خارجی‌ها برای شکار در حیات وحش ایران به کل باطل است و مصاحبه‌های رئیس سازمان محیط زیست در محکومیت رویه مذکور، قابل تعبیر به نمایشی هالیوودی است.

کاپیتولاسیون محیط زیست

تصویب آیین نامه اجرایی شکار ویژه در دوره اصلاحات با اعتراضات مکرر دوستانان حقیقی محیط زیست و انجمن حمایت از حیوانات ایران مواجه شد که این آیین نامه را مصداق بارز «کاپیتولاسیون» دانسته و از برخورد دوگانه دولت با شکارچیان ایرانی و شیخ نشین‌های عرب و دیپلمات‌های غربی منزر شده بودند. از آن سال تا اکنون هر ساله شیوخ عرب برای شکار و تاراج حیات وحش ایران که عمدتا شامل

*** اکنون با توجه به اسناد قابل بررسی افشا شده در خصوص همکاری ویژه مجموعه ایران سافاری و موسسه حیات وحش ایران در موضوع شکار خارجی‌ها در زیستگاه‌های حفاظت شده کشورمان علاوه بر اهمیت نقش سازمان محیط زیست در این ماجرا و بی توجهی به سابقه ضد امنیتی دیوید لیلین و مراد طاهباز، مهم است که بدانیم که هدف از همکاری‌های ویژه چنین افرادی در برنامه‌های محیط زیستی کشورمان چیست؟**

این خاندان در جهت تسلط انگلیس بر نقشه آبراهه‌ها و تعیین حق آب ایران وجود دارد.
خیر دستگیری آنها توسط مأموران محیط زیست منتشر می‌شود. اما در هیچ موردی این قاچاقچیان وحش و مجازات کفیری نشده‌اند چرا که قانونا چنین امکانی در کشور وجود ندارد و شکارچیان مذکور پیش از ورود به کشور مباحث فرهنگی به محیط زیست و وزارت خارجه برای دریافت مجوز شکار پرداخت کرده اند.

فراماسون‌ها در شکاربانی
نسل‌های دوم و سوم انقلاب به یاد نمی‌آورند که «سازمان محیط زیست» عمری چهل ساله دارد و پیش از اینکه آرمان آن به صیانت از حیات وحش و محیط زیست ایران تغییر پیدا کند به مدیریت شکار گاه‌های ایران در دوره رژیم پهلوی اشتغال داشت. در سال

اجتماعیEjtemae @kayhan.irگزارش ویژه کیهان

مجوز شکار حیوانات یا جمع آوری اطلاعات!؟

■ زهرا صباغی



واشگتن است! با این حال در رسانه‌های کشورمان وی به عنوان «مشاور مرتبط با مسائل تالاب‌ها و مدیریت منابع آب» یا به عنوان دکتری که سابقه ۴۷ ساله در پژوهش و تحقیق دارد معرفی می‌شود. بدتر آن که وی

براسا اطلاعات بدست آمده کیهان، از معتمدین برخی از نهادهای مهم کشور به شمار می‌رود و در موضوع محیط زیست ایران از آبراهه‌ها و رودهای مرزی مشاور رسمی و مورد تایید همزمان ایران و انگلیس به شمار می‌رود! پدر دیوید لیلین براساس اسناد منتشر شده در

آمریکا و پایگاه ویکی لیکس، از مشاورین بلندمرتبه دولت آمریکا و رابط سیا بوده که با سفری وقت ایران در آمریکا «علی امینی» که بعدها به مقام نخست وزیری نیز رسید، ارتباطات گسترده و سطح بالایی در موضوعاتی همچون «جداایی آذربایجان از ایران» و «تعیین حق آب ایران از هیرمند» داشته است.

شکار آمریکایی‌ها در ایران

دیوید لیلین به اعتراف خودش، در سال ۱۹۶۵ یعنی زمانی که بیش از ۲۸ سال سن نداشت، «ایران‌سافاری»، نخستین شرکت شکار در ایران را در دوره مدیریت اسکندر فیروز، تاسیس کرد. به نوشته شکارچیان خارجی فقط همین یک شرکت خصوصی بود که خدمات توریستی به شکارچیان ارائه می‌کرد. در شماره ۱۳۰ مجله شکار و طبیعت از قول یک شکارچی خارجی دیگر آمده است: «لیلین که چند شکاری با تجربه و از اهالی ویرجینیای آمریکا است، چهار سال پیش برای گذراندن تعطیلات خود به ایران مسافرت کرده و عاشق این سرزمین شد و همین جا ماندگار گردید. وی پس از چند بار شکار در ایران متوجه شد که وجود سازمانی مرکب از چند شکارچی حرفه‌ای برای هدایت

نام «شرکای آمریکایی» مجری پروژه مهم ساخت فروشگاه‌ها و کلاب‌های اسرائیل در قالب طرحی به نام «Israel by the sea» است در نوع خود بی‌نظیر است! جالب توجه است که موسسه مذکور از ارتباطات بسیار جدی با سازمان محیط زیست کشور و شخص معصومه ابتکار برخوردار است به نحوی که وی به

کیهان حضور تیم ۱۰۰ نفره ایرانی در اجلاس ۸ مارس نیویورک را بررسی می‌کند

چراغ سبز برای وضع تحریم حقوق بشری علیه ایران!؟

■ محمد صادق قفقوری

■ تغییر هنجارهای اجتماعی در تحقق برابری جنسیتی
■ بررسی نتایج آمار و شاخص‌های جنسیتی
■ تحقق حقوق زنان و دختران به حاشیه رانده شده و محروم
■ درس‌هایی از برابری جنسیتی و ترغیب به ایجاد تغییرات

برای شرکت در این میتینگ، از قبل از کشورهای خواسته شده است تا گزارش جامعی از پیشرفت و چالش‌های اجرای اعلامیه پکن و برنامه عمل آن وضعیت زنان ایران سیاه‌نمایی شده بود که مجلس دستور تحقیق و تفحص صادر کرد و اتفاقاً آن گزارش هم توسط خانم مولاردی تهیه شده بود! اکنون و دوباره قرار است شهیدنخست مولاردی با سفر به نیویورک گزارشی از وضعیت زنان ایرانی به سازمان ملل ارائه نمایند. علاوه بر ۱۳ نفری که قرار است متشکل از نمایندگان مجلس و دولت در این اجلاس شرکت نمایند، بالغ بر ۸۰ نفر نیز از طرف NGOهای ایرانی درخواست خود را برای حضور در نیویورک، به دبیرخانه این کمیسیون ارسال کرده و با موافقت آمریکا و صدور ویزا برای این عده، هیأت ایرانی صد نفره عازم نیویورک می‌شوند.

فارغ از شائبه تمین هزینه های سفر و اقامت، برخی اخبار حکایت از آن دارد که NGOهای برای حضور در نیویورک اعلام آمادگی کرده‌اند که اعضای آن از فعالان فمینیست ایران هستند و سابقاً تیره ای در کارنامه خود دارند و حال همین چهره ها قرار است در یک اجلاس زن‌های مللی از حقوق زن ایرانی دفاع نمایند! نکته جالب این که تمام اعضای این سازمان‌های مردم نهاد و افراد غیردولتی، به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در اجلاس پکن + ۲۰ شرکت خواهند کرد!

گفتنی است موضوع اصلی اجلاس پکن + ۲۰، بررسی چالش‌های موجود جهت دستیابی به برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان است. موضوعاتی که در میزگردهای تخصصی این اجلاس مطرح شده و هیأت ایرانی قرار است راجع به آن صحبت نمایند از این قرار است:
■ منابعی برای برابری جنسیتی
■ مسئولیت مردان در تحقق برابری جنسیتی

مدعی شد مهم‌ترین کلان NGO همکار سازمان محیط زیست پارسیان حیات وحش «مراد طاهباز» مشهور است! همین موسسه بود که طرح تبدیل تصویر یوزپلنگ ایرانی به نماد محیط زیستی ایران را ارائه کرد و مورد تقدیر ویژه دفتر عمران سازمان ملل و معصومه ابتکار قرار گرفت.

موسسه حیات وحش یا شکارگاه خصوصی!؟
قابل ذکر است که پیش از این رئیس سازمان محیط زیست کشورمان در ۲۵ مرداد سال جاری ضمن استقبال از طرح شکارگاه‌های خصوصی گفته بود: «این اقدام خوبی است(اگر این افراد می‌توانند چنین مکانی را ایجاد کنند و گونه‌هایی را پرورش و سپس دست به شکار بزنند، اما باید اول چنین شرایطی را ایجاد کنیم و بعد این اجازه را برای شکار به شکارچیان بدهیم.»

*** دیوید لیلین براساس اطلاعات بدست آمده کیهان، از معتمدین برخی کشور به شمار می‌رود و در موضوع مهم حق آب و سهم ایران از آبراهه‌ها و رودهای مرزی مشاور رسمی و مورد تایید همزمان ایران و انگلیس است.**

اکتوب با توجه به اسناد قابل بررسی افشا شده درخصوص همکاری ویژه مجموعه ایران سافاری و موسسه حیات وحش ایران در موضوع شکار خارجی‌ها در زیستگاه‌های حفاظت شده کشورمان علاوه بر اهمیت نقش سازمان محیط زیست در این ماجرا و بی توجهی به سابقه ضد امنیتی دیوید لیلین و مراد طاهباز، مهم است که بدانیم که هدف از همکاری‌های ویژه چنین افرادی در برنامه‌های محیط زیستی کشورمان چیست؟ آیا طبیعی است که فرض کنیم تاجری همچون مراد طاهباز پول هنگفتی را به امر حفاظت از گونه‌های نایاب حیات وحش ایران اختصاص داده و در عین دلسوزی برای آینده محیط زیست ایران به تجارت کلان با مهم‌ترین دشمن ایران نیز می‌پردازد؟

سازمان دشمن نهاد!

بخشی از سازمان‌های به اصطلاح مردم نهاد فعال در عرصه محیط زیست هم اکنون با مجوز سازمان اکتوب یک فعال محیط زیست ایرانی افشا کرده که دیوید لیلین(David Laylin)، از اقوام سببی اسکندر فیروز، این روزها به جهت اقامت در ایران، به واسطه مدیریت آژانس «ایران سافاری» به فروش پروانه شکار قوچ آسیب‌پذیر لارستان به متمولین آمریکایی به قیمت صد هزار دلار اشتغال دارد و همکار و همراه موسسه حیات‌وحش پارسیان است.

محیط زیست در مناطق حفاظت شده و جای جای کشور اقدام به راه اندازی دفتر و بنا ساختن برجک و مراکز نظارتی نموده‌اند. فارغ از دغدغه‌های امنیتی این ماجرا، مشخص نیست به چه علت NGOهای مذکور تا این اندازه مورد عنایت و توجه مشترک معصومه ابتکار و سازمان‌های جهانی قرار دارند!

متن این گزارش تهیه شده توسط معاونت امور زنان و خانواده، ملو از آمار و توضیحاتی بر خلاف سیاست‌های کلی نظام است. به عنوان نمونه در بخشی از این گزارش آمده است:
«چالش‌ها) الف- عدم توازن در حضور زنان و مردان در قدرت و مناصب تصمیم‌گیری: به رغم افزایش کرسی‌های زنان نماینده از ۱۳۲ درصد در دوره اول، به ۱۳۱۲ در دوره بین نسبت در مقایسه با حضور مردان کماکان بسیار کم است.

استراتژی مقابله، در این راستا با هماهنگی نمایندگان مجلس به صورت طرح یا از طریق هیأت دولت در قالب لایحه، پیشنهاد بررسی ساز و کار لازم برای افزایش تعداد زنان در مجلس و شوراهای اسلامی شهر و روستا و اصلاح نظام اداری کشور با ارائه برنامه سه ساله و تعیین شاخص کمی برای افزایش تعداد مدیران زن در دستور کار دولت قرار دارد.

ب- عدم توازن مسئولیت خانوادگی و اجتماعی، استراتژی مقابله، ایجاد ساز و کارهای حمایتی، قانونی، تأسیسی و اصلاحی و سیاست‌های مناسب اشتغال به منظور نقش‌آفرینی مؤثر زنان در عرصه جامعه و خانواده تا‌زاتن بدون دغدغه در هر دو محیط بتوانند نقش مؤتازن و مؤثری داشته باشند».

این گزارش از وضعیت زنان ایرانی و به اصطلاح راهکارهای مقابله با آن در حالی منطبق با گفت‌مان غالب غرب در زمینه حقوق زنان و نگاه تک بعدی و جنسیت‌محور محیط بین‌المللی به زن تهیه شده است که رهبر معظم انقلاب بارها و به صراحت بارها گفت‌مان راجع را غلط دانسته و آن را بر خلاف آموزه‌های بنیادی اسلام دانسته‌اند. ایشان در سی ام فروردین ماه سال جاری در دیدار زنان فرهیخته و زنخبه، فرمودند: «اگر می‌خواهیم نگاه ما به مسئله زن، سالم، منطقی، دقیق و راهگشا باشد باید از افکار غربی در مسائلی نظیر اشتغال رهبر انقلاب «برابری جنس زن و مرد» را از جمله حرفه‌های قابل غلط فراهی دانسته و افزودند: «برابری همیشه به معنای عدالت نیست، عدالت همیشه حق است، اما برابری گاه «حق» است و گاه «باطل». با کدام منطق باید زن، که خداوند آنان را از لحاظ جسمی و عاقلی قوی‌تر و ارادداشت به تحقیق و تفحص عرصه‌هایی وارد کنیم که آنها را دچار رنج و سختی زن‌ها می‌کند؟» ایشان با تأکید بر نگاه انسانی اسلام به مسئله زن تصریح کرده‌اند: «در بسیاری از مسائل از جمله سیر مقامات معنوی همچون تقویت میان زن و مرد و جد نمودن اما قالب‌ها متفاوت است و این واقعیت در کنار عرصه‌های مشترک، منطقا عرصه‌های متفاوتی را نیز به همراه می‌آورد».

رهبر انقلاب با انتقاد از زیر بنای فکری بسیاری از کنوانسیون‌های جهانی با صراحت گفته اند: «صرار غریب‌ها روی این زربنای غلط، جامعه بشری را تباه می‌کند، به همین دلیل برای دستیابی به نگاه صحیح و متوازن، باید از این مبانی بهره‌بردار بود».
۳۰، وندی شرم، معاون وزیر خارجه آمریکا و مذاکره

صفحه ۶
سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۳
۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۲۶ – شماره ۲۱۰۰

تسلط بر آب و هوا!؟
آمریکا در سال ۲۰۱۳ در گزارش رسمی «شورای شورها» اعلام کرد تا پیش از سال ۲۰۲۵ میلادی طرح تسلط تکنولوژیک بر «آب و هوا» را نهایی خواهد ساخت. تسلط بر «آب و هوا» موضوعی است که هم اکنون کشورهای در حال توسعه حتی از معنای دقیق آن نیز مطلع نیستند! با این حال هر از چند گاهی اخیراً با گوشه و کنار جنگ قدرت میان کشورهای پیشرفته در حوزه آب و هوا منتشر می‌شود که ممکن است دقیق شدن در آن ندکی به روشن شدن زوایای ماجرا کمک کند. اگرچه پیش از وقوع چندین طوفان بی‌سابقه در آمریکا، دولتمردان این کشور به چنین درخسوص مخاططرات چنین اقداماتی هشدار دادند! چین نیز در طوفان شدید وینستنت متقابلا به تهدید آمریکا روی آورد. اطلاعات ناقص و غیرقابل اطمینان زیادی نیز از تأثیر سلاح آب و هوایی به نام «هارب» با خصوصیت تغییر خصوصیات اقلیمی، خشک کردن تالاب‌ها، بالا بردن دمای زمین و ایجاد زلزله در رسانه‌های شرقی و غربی منتشر شده است.

علی رغم آشکار شدن طرح تکنولوژیک تسلط بر آب و هوا هنوز نمی‌دانیم که بالا رفتن دو درجه‌ای دمای خاورمیانه در ده سال اخیر ناشی از چیست؟ علت افزایش طوفان‌های بی‌سابقه‌گرد و غبار از فلسطین تا قفقاز نیز مشخص نشده است. خشکسالی در شمال آفریقا و منطقه غرب و جنوب آسیا خسارات هنگفتی بوجود آورده و موجبات خشک شدن و کم آبی در اغلب این مناطق را فراهم آورده است.

جالب اینجاست که هیچ کدام از مناطق جغرافیایی نامبرده شده، «توسعه یافته» به حساب نمی‌آیند و از این منظر می‌توان قاطعانه مدعی شد چنین تغییرات گسترده‌ی ناشی از دستکاری‌های بشری نبوده است! و اگر بنا بود تخریب انسانی و بهره‌برداری از منابع زیر زمینی و رو زمینی در بروز چنین تغییرات آب و هوایی وسیعی موثر باشد آمریکا شمالی و اروپا از دهه‌ها سال پیش تاکنون باید در معرض چنین فجایی قرار می‌گرفتند!

شاه کلید اطلاعاتی غرض‌آلین است
که هر دستکاری آب و هوایی نیازمند «اطلاعات دقیق» منطقی‌ای است. برخی NGOهای فعال در حوزه محیط زیست ایران با توجه به از تباطات کنترل نشده مستقیم با سازمان‌های جهانی و واسطه‌های قدیمی همچون دیوید لیلین می‌توانند بهترین منابع برای تهیه و ضبط اطلاعاتی منطقی‌ای باشند و در حالی است که در هیچ یک از کشورهای توسعه یافته امکانی مشابه برای جمع آوری اطلاعات برای محققین هر حاکمیتی وجود ندارد و مستندات بسیاری درخصوص نحوه برخورد با شاهدین و دانشمندان محلی فصول حتی با پاسپورت بومی موجود است!

جاسوسی از کیسه ملتا!

از طرف دیگرهای و‌هوی بسیار معصومه ابتکار همراهِ با فضاسازی رسانه‌ای حاکمتری پس از قطع بودجه ۶۰ میلیاردی سازمان‌های مردم نهاد محیط زیست نشان از آن دارد که هیچ خیر فرمانطقه‌ای مدیریت مالی پروژه‌های بر سر و صدا اما بی‌حاصلی همچون حمایت از یوزپلنگ‌ها و قوچ ایرانی را عهده‌دار نشده است و کماکان براساس سازمان‌های بررسی محیط زیست نشان عده‌ای به هزینه جیب ایرانی، اطلاعات دقیق مورد نیاز سازمان‌های چند ملتیی بیگانه را تهیه و ارسال می‌کنند. به این ترتیب می‌توان با توجه به پیش بینی جدی سیاستمداران غربی درخصوص نقش آفرینی «آب و تغییرات زیست محیطی» با سابقه با منشا اعماموم در تعیین سرنوشت سیاسی و ژئوپلیتیک خاورمیانه، نگاهی دوباره به ساختارسازی‌های موزای حاکمیت در حوزه محیط زیست در ایران و نقش حقیقی سازمان محیط زیست در فضاسازی تاکتیکی داشت.

*** از آنجا که تیم صد نفره در قالب هیئت رسمی دولتی جمهوری اسلامی به نیویورک سفر میکند، لازم است قبل از اینکه همانند دوره اصلاحات سیاه‌نمایی گسترده دیگری علیه وضعیت زنان ایرانی در مجامع بین‌المللی صورت پذیرد که مداخله پسینی مجلس را در پی داشته باشد و نهادهای مسئول نسبت به افراد شرکت‌کننده در این میتینگ نیویورکی و محتوایی که قرار است در پتلهای این میتینگ ارائه شود، نظارت پیشینی خود را پیش از عزیمت هیئت ایرانی به آمریکا اِعمال نمایند.**

کننده ارشد آمریکایی در قصبه هسته‌ای، پس از مذاکرات اخیر، اوایل همین هفته در سخنانی در مؤسسه کارنگی یک اندیشه‌گره آمریکایی، به صراحت گفت: «تحریم‌های ایران درباره تروریسم و حقوق بشر به قوت خود باقی خواهد ماند».

اشکار است که مسأله حقوق بشر، پیش و پس از مسأله هسته‌ای، به عنوان یک اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی کشورهای غربی به کار گرفته می‌شده و خواهد شد. تصریح شرمین در مراحل پایانی مذاکرات هسته‌ای هم گویای اتخا چنین رویکردی پس از توافق احتمالی جامع هسته‌ای است.

در چنین شرایطی، معنای سفر امور زنان رئیس‌جمهور به همراه تیم صد نفره از NGOهای معلوم‌الحال به نیویورک، در خور توجه و تأمل جدی است. مسئولیت دفاع از حقوق بشر جمهوری اسلامی، در عهده کمیسیون حقوق بشر قوه قضائیه و در نهایت وزارت خارجه است، اما معاون امور زنان ریاست جمهوری و اعضای فمینیست سازمان‌های غیردولتی، از آن‌جا که این تیم صد نفره در قالب هیأت رسمی دولت جمهوری اسلامی به نیویورک سفر می‌کند، لازم است قبل از آن که همانند دوره اصلاحات سیاه‌نمایی بی‌دانشته دیگری علیه وضعیت زنان ایرانی در مجامع بین‌المللی صورت پذیرد و مداخله بعدی مجلس را در پی داشته باشند، نهادهای مسئول نسبت به افراد شرکت‌کننده در این میتینگ و محتوایی که قرار است در پتلهای این میتینگ ارائه شود، نظارت پیشینی خود را پیش از عزیمت هیأت ایرانی به آمریکا اِعمال نمایند، چه ممکن است سنندسازي گسترده دیگری علیه وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی در راه باشد، آن هم در آستانه اتمام مذاکرات هسته‌ای و آن هم توسط هیأت رسمی ایرانی! اکنون یک بار دیگر سه پاراگراف اول این یادداشت را بخوانید!

منابع و استنادات این یادداشت در سرویس اجتماعی روزنامه کیهان موجود است.